

تحلیل تطبیقی دیدگاه رابرت اسپنسر درباره کارکرد دوگانه قرآن در پرتو تفسیر المیزان و الکشاف (بررسی آیه ۸۲ سوره اسراء)

حامد سراجی^۱، محمدسعید فیاض^۲، رحمت الله عبدالله زاده آرائی^۳، علیرضا موفق^۴

چکیده

در مطالعات قرآنی معاصر، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های اسلام‌هراسان شرق شناس، مانند رابرت اسپنسر، با تفاسیر اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به‌ویژه در آیاتی که کارکرد قرآن را در هدایت و ضلالت انسان‌ها بیان می‌کنند. اسپنسر در کتاب قرآن انتقادی با رویکردی برون دینی، آیه ۸۲ سوره اسراء را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که تقابل میان «اثر شفافبخش و رحمت قرآن» و «خسارت برای ظالمان» را نشانه‌ای از تناقض و تحریف مفاهیم قرآنی معرفی می‌کند. هدف این پژوهش، تحلیل تطبیقی دیدگاه اسپنسر درباره آیه ۸۲ سوره اسراء با آرای علامه طباطبایی در المیزان و زمخشری در الکشاف است، تا کارکرد دوگانه قرآن در پرتو سنت تفسیری اسلامی روشن شود و اعتبار روش شناختی رویکرد اسپنسر ارزیابی گردد. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از منابع اصلی شامل قرآن انتقادی، المیزان و الکشاف گردآوری و سپس تحلیل تطبیقی و نقد شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد اسپنسر با خوانشی جهت مند و نسخه محور، آیه را فاقد انسجام دانسته و تناقضاتی ادعایی می‌سازد؛ در حالی که تفاسیر اسلامی با مبانی کلامی، فلسفی و بلاغی، هماهنگی نظام مند میان «شفاء»، «رحمة» و «خسار» را ترسیم کرده و اثر دوگانه قرآن را تابع موضع مخاطب می‌دانند. این مقایسه، ضعف روش شناختی اسپنسر و تأثیر پیش فرض‌های برون دینی بر تحلیل او را برجسته می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: کارکرد قرآن، شفاء و رحمت، خسار، رابرت اسپنسر، المیزان، الکشاف.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)؛ (hamedseraji@student.pnu.ac.ir).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (saeed.fayyaz@pnu.ac.ir).

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (r.abdollahzadeh@pnu.ac.ir).

۴. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (movafagh@pnu.ac.ir).

Comparative Analysis of Robert Spencer's Perspective on the Dual Function of the Qur'an in Light of al-Mīzān and al-Kashshāf (An Examination of Verse 82 of Sūrah al-Isrā')

Abstract

In contemporary Qur'anic studies, comparative analysis of Islamophobic Orientalist perspectives, such as those of Robert Spencer, alongside Islamic exegetical traditions holds particular significance—especially regarding verses that articulate the Qur'an's dual function in guiding or misleading human beings. In his *Critical Qur'an*, Spencer adopts an extra-religious approach to verse 82 of Surah al-Isra, interpreting the juxtaposition of the Qur'an's "healing and mercy" with its "loss for the wrongdoers" as evidence of contradiction and distortion within Qur'anic concepts. The aim of this study is to conduct a comparative examination of Spencer's interpretation of verse 82 with the views of Allama Tabataba'i in al-Mīzān and al-Zamakhshari in al-Kashshaf, thereby elucidating the Qur'an's dual function in light of the Islamic exegetical tradition and assessing the methodological validity of Spencer's approach. Employing a descriptive-analytical method and library-based research tools, data were collected from primary sources including *The Critical Qur'an*, al-Mīzān, and al-Kashshaf, and subsequently subjected to comparative analysis and critique. The findings reveal that Spencer, through a textually selective and ideologically driven reading, portrays the verse as lacking coherence and constructs alleged contradictions. By contrast, Islamic exegesis, grounded in theological, philosophical, and rhetorical principles, delineates a systematic harmony between "healing," "mercy," and "loss," framing the Qur'an's dual effect as contingent upon the stance of its audience. This comparison underscores the methodological weaknesses of Spencer's approach and highlights the influence of extra-religious presuppositions on his analysis.

Keywords: Qur'an Function, Healing and Mercy, Loss, Robert Spencer, al-Mīzān, al-Kashshāf

۱- مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، همواره الهام بخش اندیشمندان و مفسران بوده است. از مهم‌ترین عرصه‌های پژوهش قرآنی، بررسی گزاره‌هایی است که نقش اساسی در نظام اعتقادی و تربیتی اسلام دارند و زیر بنای اعمال انسان اند. سوره اسراء برخی از این مفاهیم را به صورت برجسته مطرح کرده و زمینه تحلیل‌های تفسیری و کلامی را فراهم آورده است. در دوران معاصر نیز بازخوانی این مفاهیم توسط اسلام‌پژوهان غربی، باییش فرض‌های خاص، پرسش‌ها و چالش‌های تازه‌ای در مطالعات تفسیری ایجاد کرده است.

کارکرد دوگانه قرآن - بدین معنا که قرآن برای مؤمنان عامل هدایت و آرامش و برای ظالمان موجب افزایش خسارت و زیان است - از بنیادی‌ترین مفاهیم قرآنی است؛ این مفهوم نه تنها از ارکان نظام اعتقادی و تربیتی اسلام به شمار می‌رود، بلکه مبنای تبیین رابطه هدایت و ضلالت انسان‌ها با وحی الهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۸/۱۳). قرآن کریم در سوره اسراء، این پیوند را به نحو برجسته‌ای ترسیم کرده است؛ آیه ۸۲ با طرح مفاهیم «شفاء»، «رحمت» و «خسارت»، اثر قرآن را در دو سطح متفاوت بیان می‌کند: برای مؤمنان عامل هدایت و آرامش، و برای ظالمان موجب افزایش زیان و خُسران (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۶۸/۲). این رویکرد قرآنی، که کارکرد وحی را نه تنها به معنای درمان و رحمت، بلکه بر پایه قابلیت نفس و موضع مخاطب تعریف می‌کند، در تفاسیر المیزان (با تحلیل فلسفی، تکوینی اثر اعمال) و الکشاف (با تمرکز بلاغی بر ساختارهای تقابلی و تربیتی) به طور عمیق واکاوی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۱۰-۱۰۸/۱۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۶۸/۲-۴۶۹). سوره اسراء، با تأکید بر این کارکرد دوگانه، بستری مناسب برای چنین تحلیلی فراهم می‌آورد. در این زمینه، رویکردهای شرق‌شناسان که هر یک با پیش‌فرض‌های فکری و چارچوب‌های خاص خود به قرآن نزدیک می‌شوند. شبهات و مجادلات تازه‌ای را در عرصه مطالعات قرآنی پدید آورده است.

در دوران معاصر، برخی شرق‌شناسان با تکیه بر پیش‌فرض‌های خاص و نگاه برون‌دینی، مفاهیم کارکردی قرآن را بازخوانی کرده‌اند. رابرت اسپنسر، پژوهشگر آمریکایی حوزه اسلام

شناسی، در کتاب قرآن انتقادی^۱ با ارائه ترجمه‌ای حاشیه‌دار و استناد گزینشی به تفاسیری مانند ابن کثیر، ابن جُزّی و جلالین، آیات قرآن را تحلیل می‌کند. در این پژوهش بررسی خواهیم کرد که وی در این کتاب، ترجمه‌ای انتقادی ارائه می‌دهد و این رویکرد، که در نقدهای اخیر مانند مقاله تحلیلی در مجله آنالین «کانترکانتس»^۲ به عنوان «تحریف گفتمانی» توصیف شده، زمینه تاریخی نزول آیات را نادیده می‌گیرد و خوانشی سطحی ارائه می‌دهد که با اصول هرمنوتیک قرآنی ناسازگار است (Countercurrents, 2025). بحث‌های آکادمیک در انجمن‌های گفت‌وگو محور، مانند «انجمن آکادمیک قرآن در ردیت»^۳ نیز بر نقص روش شناختی اسپنسر، از جمله انتخاب گزینشی منابع و غفلت از تفاسیر معتبر، تأکید دارند (Reddit's Academic Quran, 2024).

۱.۱. پیشینه

با توجه به اینکه کتاب نقد قرآن رابرت اسپنسر در سال ۲۰۲۲-۲۰۲۱ به چاپ رسیده و نسبتاً اثر نو و جدیدی از این خاورشناس است، پژوهشی که به‌طور مشخص ترجمه رابرت اسپنسر از سوره اسراء را در چارچوب تطبیقی با تفاسیر اسلامی نقد و بررسی کند، در منابع داخلی تاکنون دیده نشده است.

- در میان آثار منتشر شده پیرامون کتاب قرآن انتقادی اثر رابرت اسپنسر، تنها پژوهشی که می‌توان آن را در ارتباط مستقیم با این کتاب دانست، مقاله‌ای است از محمد الفراس با عنوان: «نقد کتاب: قرآن انتقادی رابرت اسپنسر؛ تبیین بر اساس تفاسیر کلیدی اسلامی و پژوهش‌های تاریخی معاصر»^۴ که در سال ۲۰۲۲ در پایگاه علمی Academia.edu منتشر شده

1. The Critical Quran: Explained from Key Islamic Commentaries and Contemporary Historical Research. New York-Nashville: Bombardier Books, 2022.

2. Countercurrents (2025)

3. Reddit's Academic Quran (2024)

4. Book Review: Robert Spencer, The Critical Qur'an: Explained from Key Islamic Commentaries and Contemporary Historical Research

است. این مقاله با قالبی ساختارمند و رویکردی تحلیلی، به بررسی محتوای کتاب اسپنسر پرداخته و نقدهایی تخصصی بر آن وارد کرده است.

نویسنده مقاله، ساختار کتاب اسپنسر را چنین معرفی می‌کند: «ترجمه کامل متن قرآن همراه با مقدمه‌ها و حواشی تفسیری برای هر سوره و برخی آیات، که عمدتاً مبتنی بر منابع کلاسیک اسلامی مانند ابن‌کثیر و جلالین است. منابعی که به سبب ترجمه‌شدن یا دسترسی آسان، در اختیار اسپنسر قرار داشته‌اند. همچنین، نمونه‌هایی از قرائات مختلف نیز در بخش‌هایی از کتاب مطرح شده‌اند.»

نویسنده مقاله همچنین به ضعف‌های اسپنسر در نقل قرائات و تحلیل دست‌نویس‌ها اشاره می‌کند. ضعف‌هایی که ناشی از عدم اشراف تخصصی و اتکا به منابع غیرعلمی مانند ویدئوها و مقالات جی‌اسمیت (یک مبلغ مسیحی) است. افزون بر این، در بسیاری از آیات، اسپنسر تنها به یک روایت ترجمه شده بسنده کرده و از ارائه طیف گسترده تفاسیر سنتی اسلامی خودداری نموده است.

نقد پایانی مقاله آن است که اسپنسر برای بخش عمده‌ای از آیات قرآن، هیچ‌گونه تفسیر یا تحلیلی ارائه نمی‌دهد و تمرکز او صرفاً بر آیاتی است که در منازعات فکری با غیرمسلمانان محل نزاع بوده‌اند؛ رویکردی که از منظر علمی، ناقص و جهت‌دار تلقی می‌شود.

پژوهش‌های مشابه بررسی شده داخلی از آثار رابرت اسپنسر در ادامه ذکر می‌شود:

- سوری، (۱۴۰۲)، پایان نامه «تحلیل انتقادی کتاب آیا محمد وجود داشت؟ اثر رابرت اسپنسر (با تمرکز بر مباحث قرآنی)»: نویسنده محوریت اصلی این کتاب را افسانه‌ای پنداشتن وجود حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و بی‌اعتبار یا کم‌اعتبار دانستن آیات قرآن کریم معرفی می‌کند. یکی از انتقادات مهم مطرح شده در این پژوهش، ادعای اسپنسر مبنی بر اینکه اسلام و قرآن هرگز موضوع پژوهش‌های تاریخی جدی قرار نگرفته‌اند، در حالی که یهودیت و مسیحیت بارها از منظر تاریخی بررسی شده‌اند. اسپنسر نتیجه می‌گیرد که اگر چنین

پژوهش‌هایی درباره اسلام انجام شود، اسلام، قرآن و پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) از تیغ بررسی تاریخی جان سالم به در نخواهند برد و بسیاری از اعتقادات مسلمانان فرو خواهد پاشید. در این پایان‌نامه، نویسنده با رویکردی انتقادی و مستند، مطالب ارائه شده توسط اسپنسر، به‌ویژه مباحث قرآنی، را مورد بررسی قرار داده و با اعتبارسنجی محتوای کتاب از جنبه‌های مختلف تاریخی، قرآنی، ادبی و زبان‌شناختی، پاسخ‌های علمی و مستدل به هر یک از ادعاهای مطروحه ارائه کرده است.

- مقدمه، (۱۳۹۸)، پایان‌نامه «نقد و بررسی اسلام‌هراسی از دیدگاه سم‌هریس و رابرت اسپنسر»: این پایان‌نامه به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های دو اسلام‌پژوه غربی، سم‌هریس و رابرت اسپنسر، در حوزه اسلام‌هراسی می‌پردازد. نویسنده نشان می‌دهد که هر دو اندیشمند از منظر برتری مسیحیت به اسلام حمله می‌کنند و معتقدند تا زمانی که مسلمانان فرهنگ دینی خود را برتر از فرهنگ غرب و سایر ادیان بدانند، امکان ارتباط سازنده با دنیای غرب وجود نخواهد داشت. در این پژوهش، مشکلات روش‌شناختی و محتوایی آرای این دو نویسنده آشکار شده و دیدگاه‌های آنان با نقد تاریخی، هویتی و معرفتی، و با استناد به منابع اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده تأکید می‌کند که اسلام‌هراسی در آثار اسپنسر و هریس نه تنها ناشی از پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک است، بلکه با تحریف مفاهیم قرآنی و بی‌توجهی به سنت تفسیری اسلامی همراه است.

۱.۲. ضرورت پژوهش

آثار جنجالی برخی خاورشناسان رسانه‌ای در دهه‌های اخیر، بیش از آنکه رویکردی علمی و بی‌طرفانه داشته باشند، در جهت مبارزه با حقیقت فراگیر اسلام و تضعیف جایگاه قرآن کریم سامان یافته‌اند. این آثار با بهره‌گیری از ترجمه‌های گزینشی و تحلیل‌های سطحی، مفاهیم بنیادینی همچون «کارکردهای قرآن» را به‌گونه‌ای بازنمایی می‌کنند که با پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک نویسندگان هماهنگ باشد. چنین رویکردی نه تنها موجب تحریف گفتمانی در مطالعات قرآنی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری برداشت‌های نادرست در میان مخاطبان

غیرمسلمان نیز خواهد بود. از این رو، نقد علمی و تطبیقی این آثار، به ویژه کتاب قرآن انتقادی رابرت اسپنسر، ضرورتی انکارناپذیر در حوزه مطالعات تفسیری معاصر به شمار می‌رود.

در دیگر سوی، از برجسته‌ترین منابع تفسیری در تاریخ اسلام، دو اثر مهم هستند که هریک با رویکردی متفاوت جایگاه ویژه‌ای در مطالعات قرآنی یافته‌اند. المیزان اثر علامه طباطبایی (۱۴۱۷ق) با روش «تفسیر قرآن به قرآن» و رویکرد فلسفی- کلامی، انسجام درونی آیات را آشکار ساخته و مفاهیم بنیادین دینی را بر پایه عقلانیت و نظام علیت تبیین می‌کند. فضای کلی آن ترکیبی از تحلیل فلسفی، کلامی و اجتماعی است که در کنار بهره‌گیری از روایات معتبر، به نقد دیدگاه‌های مخالف نیز می‌پردازد و چارچوبی جامع در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فلسفه دین ارائه می‌دهد. همچنین، الکشاف زمخشری (۱۴۰۷ق) با رویکرد بلاغی- ادبی، بر جنبه‌های زبانی و نحوی تمرکز کرده و زیبایی‌های بیانی قرآن را برجسته می‌سازد. این اثر متأثر از مبانی فکری معتزله است و با تأکید بر عقلانیت، به مباحث کلامی نیز ورود کرده و اهمیت آن در ترکیب فنون ادبی با مبانی کلامی است که الگویی جامع برای فهم عقلانی و بلاغی قرآن فراهم آورده است.

پژوهش حاضر با ماهیتی توصیفی- تحلیلی و تطبیقی، دیدگاه اسپنسر در آیه مورد بحث را با تفاسیر علامه طباطبایی (رویکرد فلسفی- کلامی شیعی) و زمخشری (رویکرد بلاغی- معتزلی سنی) مقایسه می‌کند تا انسجام درونی و اعتبار روش شناختی خوانش وی در برابر تفاسیر اسلامی سنجیده شود. ابزار پژوهش، کتابخانه‌ای است و داده‌ها از منابع اصلی گردآوری شده، دیدگاه هر اندیشمند نقل می‌گردد و سپس با ابزارهای کلامی، فلسفی و بلاغی تحلیل تطبیقی و نقد می‌شود.

هدف این پژوهش، تبیین دقیق مفهوم و بررسی نحوه بازنمایی «کارکرد دوگانه قرآن» در آیه ۸۲ سوره اسراء از دیدگاه رابرت اسپنسر است. در این راستا، میزان انطباق یا تعارض دیدگاه او با مبانی تفسیری المیزان و الکشاف سنجیده می‌شود تا روشن گردد که آیا خوانش وی توانسته است با معیارهای علمی و روش شناختی معتبر هم‌خوانی داشته باشد یا صرفاً بازتابی از پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک و جهت‌دار است. بدین ترتیب، پژوهش حاضر می‌کوشد با نقد تطبیقی و مستند، جایگاه واقعی دیدگاه اسپنسر را در برابر سنت تفسیری اسلامی آشکار سازد.

۲. بحث و یافته‌ها

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

﴿ وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴾ (اسراء/۸۲)

« و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید. »

این آیه منظومه‌ای دقیق از نسبت وحی با قابلیت نفس انسان را صورت‌بندی می‌کند: برای اهل ایمان، قرآن در مقام شفاء و رحمت فعلیت می‌یابد؛ اما برای ظالمان، همان نور وحی به صورت افزونی در خسارت جلوه‌گر می‌شود. خوانش‌های تفسیری مانند «المیزان و الکشاف» این ساختار را در سه سطح معناشناختی، وجودی-تکوینی و نحوی-بلاغی توضیح داده‌اند و آن را به صورت منظومه‌ای منسجم تبیین کرده‌اند؛ در مقابل، رابرت اسپنسر بر پایه شواهد متفاوت و با رویکردهای دیگر به این آیه پرداخته و برداشت‌های خاصی از نسبت شفاء، رحمت و خسار ارائه نموده است.

ما در اینجا ابتدا تحلیل و دیدگاه اسپنسر را حول محور موضوع تبیین می‌کنیم و سپس به تحلیل جامع لغوی، روایی و تفسیری و همچنین بررسی انسجام معنایی و بلاغی آیه و نیز شیوه‌های مختلف خوانش آن می‌پردازیم؛ همچنین با اتکا به منابع دست‌اول و آثار مرجع در علوم قرآنی، مدلی سه سطحی برای ارزیابی اجتهادی ارائه می‌شود که امکان مقایسه میان رویکردهای گوناگون را فراهم می‌سازد.

۲.۱. بیان دیدگاه رابرت اسپنسر

برای بررسی جامع آیه ۸۲ سوره اسراء، ما تنها به توضیحات اسپنسر ذیل آیه بسنده نکرده ایم، بلکه ارجاعاتی که او در همانجا به سوره‌ها و آیات دیگر داده را نیز گردآوری نمودیم. این ارجاعات شامل برداشت‌های او از واژگان کلیدی مانند «شفاء» و «خسار» در سیاق‌های متفاوت است که در متن کتابش آمده است. او در کتاب «قرآن انتقادی» تلاش کرده است تا

مفاهیم کلیدی قرآن را در چارچوبی تقابلی و دوگانه بازخوانی کند و در مقدمه کتاب، تصریح می‌کند که قرآن مملو از وعده‌های رحمت برای مؤمنان و تهدیدهای خشن برای دیگران است. این برداشت، به‌زعم او، نشان‌دهنده دوگانگی ذاتی متن است. (Spencer, 2022: 13)

اسپنسر این دوگانگی را در قالب سه واژه محوری «شفاء»، «رحمت» و «خَسار» توضیح می‌دهد و آیه ۸۲ سوره اسراء را نقطه کانونی برای این تحلیل معرفی می‌کند.

وی در تحلیل خود از واژه «شفاء»، آن را در چارچوبی خاص و محدود معنا می‌کند و ذیل آیه ۱۴ سوره توبه، با اشاره به عبارت «يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ»، شفاء را به معنای آرامش روانی مؤمنان پس از تحقق مجازات مخالفان معرفی می‌کند. اسپنسر با استناد به تفاسیر جلالین و ابن جریر، این برداشت را تقویت کرده و نتیجه می‌گیرد که شفاء در قرآن کارکردی درون‌گرویی دارد که از طریق اعمال داوری الهی توسط مؤمنان تحقق می‌یابد. در نگاه او، این واژه نه به معنای درمان معرفتی یا وجودی، بلکه به‌عنوان تسکین روانی پس از اجرای داوری الهی فهمیده می‌شود. (Spencer, 2022: 262)

اسپنسر این برداشت را به آیه ۸۲ سوره اسراء نیز تعمیم می‌دهد و آن را شاهدهی بر دوگانگی متن قرآن می‌داند. او می‌نویسد که قرآن برای مؤمنان شفاء و رحمت است، در حالی که برای مخالفان تنها خَسار به همراه دارد. در این چارچوب، شفاء در کنار رحمت به‌عنوان وعده‌ای خاص برای مؤمنان مطرح می‌شود و سوییۀ مقابل آیه یعنی خَسار، به زیان مخالفان تعبیر می‌گردد. بدین ترتیب، اسپنسر شفاء را بخشی از سازوکار هویت‌بخشی می‌داند که آرامش پس از خشونت را تقویت می‌کند و در مقابل، مخالفان را در موقعیت تهدید و نابودی قرار می‌دهد. (Spencer, 2022: 393)

در مورد واژه «رحمت»، اسپنسر آن را نیز در نسبت مستقیم با خَسار معنا می‌کند. در نگاه او، رحمت نه به‌عنوان افاضه هدایت و نعمت الهی، بلکه به مثابه وعده‌ای خاص برای مؤمنان در برابر تهدید مخالفان معرفی می‌شود و رحمت را در چارچوبی تقابلی و دوگانه قرار می‌دهد که کارکرد اصلی آن تقویت انسجام مؤمنان است. (Spencer, 2022: 13; 393)

در خصوص واژه «خَسار»، اسپنسر به نسخه بانکپور هند^۱ استناد می‌کند و مدعی است که عبارت «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» در این نسخه به صورت «وَلَا يَزِيدُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ إِلَّا خَسَارًا» آمده است. همچنین ذیل آیه ۵۹ سوره بقره، به تغییر مشابهی اشاره می‌کند که در آن «ظَلَمُوا» به «ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ» تبدیل شده است. اسپنسر این تغییرات را نشانه‌ای از دخالت‌های فرقه‌ای در متن قرآن معرفی کرده و نتیجه می‌گیرد که «خَسار» اساساً به دشمنی با خاندان پیامبر اسلام محدود می‌شود و در نگاه او، این واژه نه یک مفهوم وجودی یا معنوی، بلکه نشانه‌ای از تهدید بیرونی و نابودی مخالفان است. (Spencer, 2022: 30) در این منظومه، سه واژه «شِفَاء»، «رحمت» و «خَسار» در کنار هم قرار می‌گیرند و به عنوان سازوکارهای هویت‌بخش و تقابلی متن قرآن تفسیر می‌شوند؛ شفاء و رحمت به عنوان وعده‌های خاص برای مؤمنان و خَسار به عنوان تهدید و زیان برای مخالفان. این چینش در نگاه اسپنسر نشان‌دهنده دوگانگی بنیادین متن قرآن است.

۲.۲. تحلیل لغوی، روایی و تفسیری

۲.۲.۱. بحث لغوی

شِفَاء: در منابع لغوی و تفسیری، واژه «شِفَاء» به رفع مرض و رسیدن به سلامت (راغب، ۱۴۰۴ق: ۵۰۴/۴)، اکمال درمان و مقابل «سقم» (ابن منظور، ۱۳۷۵ق: ۵۰۴/۳)، دواء و علاج (جوهری، ۱۴۱۴ق: ۵۵/۵)، رفع مرض ظاهر و باطن با تأکید بر امراض قلبی و جهل (طریحی، ۱۴۰۴ق: ۷۸۱/۲)، علاج کامل شامل امراض معنوی (فیروزآبادی، ۱۴۱۴ق: ۳۴۹/۷)، درمان امراض جهل و ضلالت به عنوان اثر هدایتی قرآن (طبرسی، ۱۳۷۵ق: ۲۴۷/۷)، کمال و تمامیت و رسیدن به سلامت کامل (ابن فارس، ۱۳۹۴ق: ۱۹۲/۴)، و علاج و رفع مرض با تأکید بر امراض قلبی

۱. نسخه بانکپور یکی از نسخه‌های خطی قرآن است که در کتابخانه بانکپور در پتنا (هند) نگهداری می‌شود. این نسخه به دلیل برخی اختلافات متنی و افزوده‌هایی که در آن دیده می‌شود، در مطالعات نسخه‌شناسی قرآن مورد توجه قرار گرفته است. اسپنسر از همین ویژگی‌ها بهره می‌گیرد تا نشان دهد که در برخی سنت‌های فرقه‌ای، تغییراتی در متن قرآن به سود تأکید بر جایگاه اهل بیت (ع) وارد شده است.

و روحی (زبیدی، ۱۳۷۶ق: ۱۴۷/۲) معنا شده است. برآیند این تعاریف نشان می‌دهد که «شفاء» در آیه ۸۲ اسراء صرفاً به معنای درمان جسمانی نیست، بلکه به طور خاص به درمان امراض باطنی و معرفتی اشاره دارد و دلالت بر اثر هدایتی قرآن دارد که جهل، کفر و انحراف را می‌زداید و زمینه رحمت و آرامش برای مؤمنان فراهم می‌سازد.

رَحْمَت: واژه «رحمت» به رقت قلب و میل به احسان (راغب، ۱۴۰۴ق: ۱۹۴/۱)، عطف، مهربانی و نعمت الهی در قرآن (ابن منظور، ۱۳۷۵ق: ۲۳۶/۱۲)، رأفت و عطوفت (جوهری، ۱۴۱۴ق: ۷۳۲/۲)، افاضه خیر و نور هدایت برای مؤمنان (طبرسی، ۱۳۷۵ق: ۲۴۷/۷)، عطوفت و نعمت (فیروزآبادی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۷/۳)، میل به نیکی و عطف (ابن فارس، ۱۳۹۴ق: ۱۴۷/۲)، و عطوفت و نعمت الهی با تأکید بر هدایت و آرامش وجودی (زبیدی، ۱۳۷۶ق: ۴۳۷/۳) معنا شده است. این تعاریف روشن می‌سازند که «رحمت» در آیه ۸۲ اسراء صرفاً به معنای عطوفت و مهربانی ظاهری نیست، بلکه به طور خاص به افاضه هدایت، نعمت و آرامش الهی برای مؤمنان اشاره دارد و دلالت بر اثر مثبت قرآن می‌نماید که در کنار «شفاء»، موجب رشد معنوی و سعادت آنها می‌شود.

خَسَار: در منابع ادبی و تفسیری، واژه «خَسَار» به نقصان در سرمایه و زیان (راغب، ۱۴۰۴ق: ۲۸۹/۱)، زیان و نقصان در مال و دین (ابن منظور، ۱۳۷۵ق: ۱۸۳/۴)، ضرر و زیان (جوهری، ۱۴۱۴ق: ۴۱۲/۱)، زیان مضاعف در اثر ظلم و کفر (طریحی، ۱۴۰۴ق: ۴۳۷/۳)، زیان و ضرر در دنیا و آخرت (فیروزآبادی، ۱۴۱۴ق: ۵۵/۵)، نقصان و زیان در نتیجه مخالفت با حق (ابن فارس، ۱۳۹۴ق: ۱۴۷/۲)، و زیان آشکار و نابودی سرمایه وجودی انسان (زبیدی، ۱۳۷۶ق: ۴۳۷/۳) معنا شده است. مجموع این تعاریف نشان می‌دهد که «خَسَار» در آیه ۸۲ اسراء صرفاً به معنای زیان اقتصادی یا مادی نیست، بلکه به طور خاص به زیان معنوی و وجودی اشاره دارد؛ یعنی کسانی که در برابر قرآن و هدایت الهی مقاومت می‌کنند، نه تنها از شفاء و رحمت محروم می‌شوند، بلکه همان متن برای آنان منشأ زیان افزوده و سقوط معنوی خواهد بود.

۲۲/۲. بحث روایی

شِفَاء: در روایات اسلامی، قرآن به عنوان شفاء معرفی شده است؛ نه تنها شفاء جسمانی، بلکه شفاء امراض قلبی و معرفتی. امام صادق (ع) می‌فرماید: «القرآن شفاء من كل داء، إلا أنه لا يشفي من الكفر والجهل»؛ یعنی قرآن درمان همه بیماری‌هاست، جز کفر و جهل که ناشی از انسداد قلب است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵۹۹/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۰/۹۲). امام باقر (ع) نیز فرمود: «من لم يستشف بالقرآن فلا شفاء له»؛ هر کس با قرآن درمان نجوید، درمانی برای او نیست (حویزی، ۱۱۱۲ق: ۴۶/۳). امام علی (ع) در خطبه‌ای فرمود: «استشفوا بنور القرآن، فإنه شفاء لما في الصدور»؛ به نور قرآن درمان بجوید، زیرا درمانی است برای آنچه در دل‌هاست (شریف رضی، ۴۰۰ق: خطبه ۱۷۶). در منابع اهل سنت نیز پیامبر (ص) فرمود: «القرآن شفاء لما في الصدور»؛ قرآن درمانی است برای آنچه در دل‌هاست (مسلم، ۱۴۱۱ق: ۱۹۲۲/۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۵ق: ۱۷/۳). همچنین در سنن ابن ماجه آمده است: «عليكم بالقرآن، فإنه شفاء ورحمة»؛ بر شما باد قرآن، که درمان و رحمت است (ابن ماجه، ۲۷۳ق: ۱۲۴۵/۲). این روایات نشان می‌دهند که شفاء قرآن ناظر به امراض قلبی و معرفتی است و تنها در صورتی فعلیت می‌یابد که مخاطب قابلیت پذیرش داشته باشد.

رَحْمَت: واژه «رحمت» در روایات به‌طور گسترده به قرآن نسبت داده شده است. امام رضا (ع) می‌فرماید: «القرآن رحمة للمؤمنين، يهديهم إلى الحق ويثبتهم عليه»؛ قرآن رحمت برای مؤمنان است، آنان را به حق هدایت می‌کند و بر آن ثابت می‌دارد (صدوق، ۳۸۱ق: ۴۵/۲). امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه فرمود: «وتعلموا كتاب الله، فإنه أحسن الحديث وأبلغ الموعظة، وتفقهوا فيه، فإنه رحمة»؛ کتاب خدا را بیاموزید، که بهترین سخن و رساترین پند است؛ در آن فقه بیاموزید، زیرا رحمت است (شریف رضی، ۴۰۰ق: خطبه ۱۱۰). امام صادق (ع) نیز فرمود: «القرآن رحمة للمؤمنين، وعذاب للكافرين»؛ قرآن رحمت برای مؤمنان و عذاب برای کافران است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۲/۹۲). در منابع اهل سنت، پیامبر (ص) فرمود: «إن هذا القرآن هو حبل الله، وهو النور المبين، وهو رحمة للمؤمنين»؛ این قرآن ریسمان خداست، نور آشکار است و

رحمت برای مؤمنان (ترمذی، ۲۷۹ق: ۱۷۲/۵، حدیث ۲۹۰۶). همچنین در الدر المنثور سیوطی آمده است: «القرآن مآذیة الله، فمن دخل فيه فهو آمن، وهو رحمة وشفاء»؛ قرآن سفره خداست؛ هر کس وارد آن شود در امان است، و آن رحمت و شفاء است (سیوطی، ۹۱۱ق: ۴۵/۲). این روایات نشان می‌دهند که رحمت قرآن نه صرفاً عطوفت ظاهری، بلکه هدایت، نور، و نعمت الهی است که مؤمنان را به سوی سعادت دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد.

خَسَار: مفهوم «خسار» در روایات به معنای زیان وجودی و محرومیت از هدایت قرآن آمده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «من أعرض عن القرآن فقد خسر دنياه وآخرته»؛ هر کس از قرآن روی گردان شود، دنیا و آخرت خود را از دست داده است (شریف رضی، ۴۰۰ق: حکمت ۱۷۶). امام باقر (ع) نیز فرمود: «من ترك القرآن متعمداً فقد خسر خسراناً مبيناً»؛ هر کس عمداً قرآن را ترک کند، دچار زیان آشکار شده است (حویزی، ۱۱۱۲ق: ۴۷/۳). امام صادق (ع) نیز فرمود: «من قرأ القرآن ثم لم يعمل به، فقد خسر»؛ هر کس قرآن بخواند و به آن عمل نکند، زیان کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۸۵/۹۲). در منابع اهل سنت، پیامبر (ص) فرمود: «من قرأ القرآن ثم لم يعمل به، أدخل النار»؛ هر کس قرآن بخواند و به آن عمل نکند، به آتش وارد خواهد شد (ابن ماجه، ۲۷۳ق: ۱۲۴۵/۲، حدیث ۲۱۶). همچنین در مسند احمد آمده است: «القرآن حجة لك أو عليك»؛ قرآن یا حجت به نفع توست یا علیه تو (احمد بن حنبل، ۱۴۱۵ق: ۱۷/۳). در الدر المنثور نیز روایت شده است: «من أعرض عن كتاب الله فقد ضل وخسر»؛ هر کس از کتاب خدا روی گردان شود، گمراه و زیانکار خواهد بود (سیوطی، ۹۱۱ق: ۴۶/۲). این روایات نشان می‌دهند که خسار در آیه ۸۲ اسراء به معنای زیان معنوی و سقوط روحی است؛ یعنی کسانی که در برابر قرآن مقاومت می‌کنند، نه تنها از شفاء و رحمت محروم می‌شوند، بلکه همان متن برای آنان منشأ زیان افزوده و نابودی وجودی خواهد بود.

۲.۲.۳. بحث تفسیری

در تفسیر آیه ۸۲ سوره اسراء، علامه طباطبایی واژه «شفاء» را به معنای درمان از جهل و گمراهی و «رحمت» را به معنای رحمت هدایت معرفی می‌کند و می‌نویسد: «مراد از شفاء در آیه، شفاء از جهل و گمراهی، و مراد از رحمت، رحمت هدایت است. قرآن کریم از آن رو

شفاء است که دل‌ها را از بیماری شرک و شک و اخلاق زشت می‌رهاند، و رحمت است از آن جهت که انسان را به سعادت دنیا و آخرت می‌رساند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۸/۱۳). زمخشری نیز «شفاء» را به معنای درمان از بیماری‌های باطنی همچون کفر و جهل تفسیر می‌کند و می‌گوید: «شفاء من الأدواء الباطنة من الكفر والجهل: شفایی است از بیماری‌های درونی، همچون کفر و جهل» و «رحمت» را بشارت و نور الهی برای مؤمنان می‌داند که دل‌های آنان را آرام می‌سازد و به سوی سعادت رهنمون می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۶۸/۲).

در بخشی دیگر، علامه تأکید دارد که «مِنْ» در «مِنْ الْقُرْآن» تبعیض کارکردی دارد؛ یعنی قرآن به طور کلی شفا است اما اثر آن بسته به قابلیت نفس مخاطب تحقق می‌یابد و این معنا را با اصل علیت اعمال مرتبط می‌داند و قرآن را همانند نوری توصیف می‌کند که برای بینایان روشنایی و برای کوران آزاردهنده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۸/۱۳). زمخشری نیز «مِنْ» را برای تخصیص می‌گیرد، یعنی بخشی از قرآن شفا است، اما برای ظالمان (کافران) تنها خسران می‌آورد زیرا انکار آنان را افزایش می‌دهد و بر نقش «ما» در عبارت «ما هو شفاء» تأکید کرده و آن را برای تبعیض برمی‌دارد؛ بدین معنا که بخشی از قرآن، به‌ویژه آیاتی که مشتمل بر معارف الهی و وعده‌های رحمت‌اند، مایه شفاء و رحمت هستند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۶۸/۲-۴۶۹).

علامه در جایی دیگر با استناد به آیه ۴۴ سوره فصلت («قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ») توضیح می‌دهد که خاصیت شفابخشی قرآن وابسته به ایمان و پذیرش قلبی مخاطب است و این وابستگی را قانون تکوینی می‌داند؛ بدین معنا که اثر وحی در وجود انسان‌ها بر اساس ایمان یا انکار شکل می‌گیرد و قرآن عامل تربیت و اصلاح درونی است که قابلیت‌های نفس را بالفعل می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴۵۵/۱۵) و علاوه بر این در آیه ۲۷ سوره ابراهیم («يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ») ضلالت را نتیجه ظلم می‌داند و تأکیدی دیگر بر قانون تکوینی اثر وحی در نسبت با قابلیت و اخلاق مخاطب (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۸۶/۱۳-۸۸).

او همچنین روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: «قرآن شفای هر دردی است؛ اما نه برای کسی که آن را پشت سر اندازد» و این روایت را بیانگر آن می‌داند که قرآن

ذاتاً شفا است، اما بهره‌مندی از آن مشروط به ایمان و عمل است و قرآن تنها زمانی اثرگذار است که مخاطب آن را در زندگی خود به کار گیرد و از سطح تلاوت به مرحله عمل ارتقا دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴۱۸/۷).

در تبیین جمله «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»، علامه بر سنت الهی در تأثیر متقابل هدایت و ضلالت تکیه دارد و می‌نویسد: «ایمان موجب رشد در خیر، و ظلم موجب فزونی در خسران است» و «خسار» را زیان روحی و وجودی می‌داند که نتیجه طبیعی انکار و ظلم است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۹/۱۳). زمخشری نیز توضیح می‌دهد که ظالمان به سبب کفر و تکذیب قرآن، جز زیان و خسران بر ایمان خود نمی‌افزایند و می‌نویسد: «لأنهم يكفرون به و يكذبون، فذلك يوجب زيادتهم في الخسران: زیرا آنها به آن کفر می‌ورزند و آن را تکذیب می‌کنند، و همین سبب می‌شود که زیانشان افزون گردد» و خسران را زیان روحی و معنوی تفسیر می‌کند که نتیجه طبیعی انکار و ظلم است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴۶۹/۲).

از منظر بلاغی، علامه به ساختار «ما هو» و «لا... إلا» توجه دارد؛ «ما هو» دلالت بر تعیین دارد و حقیقت شفاء و رحمت را تثبیت می‌کند و «لا... إلا» حصر اثر برای ظالمان را می‌رساند و تقابل میان دو گروه را به صورت بلاغی برجسته می‌سازد؛ این ساختار نحوی و بلاغی، انسجام معنایی آیه را تقویت کرده و نشان می‌دهد که قرآن در مقام وحی، نظامی دقیق از تقابل هدایتی و زبانی را سامان می‌بخشد که مخاطب را به انتخاب آگاهانه میان ایمان و ظلم فرا می‌خواند و مسیر سعادت یا خسران، نتیجه مستقیم موضع‌گیری انسان در برابر وحی است و بلاغت آیه ابزار هدایت و تربیت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۸/۱۳-۱۰۹). علامه به کارکرد تربیتی آیه نیز اشاره می‌کند و معتقد است که قرآن نه تنها در سطح معرفتی، بلکه در سطح اخلاقی و اجتماعی نیز شفاء و رحمت است؛ آموزه‌های قرآن می‌توانند جامعه را از بیماری‌های اخلاقی و انحرافات فکری برهانند و مسیر سعادت جمعی را هموار سازند، در حالی که برای کسانی که در ظلم و عناد باقی می‌مانند، همان آموزه‌ها عامل تشدید زیان عمل می‌کنند و قرآن به مثابه متنی زنده و کارکردی است که اثر آن در بستر زندگی فردی و اجتماعی تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۸/۱۳-۱۱۰).

دیگر مفسران نیز همین برداشت را از آیه داشته‌اند: بیضاوی در انوار التنزیل این حصر و تقابل را ملحوظ می‌دارد و معنای «خسار» را محرومیت از نور هدایت می‌خواند (بیضاوی، بی تا: ۱۹۴/۳-۱۹۵). طبرسی در مجمع‌البیان، اثر قرآن را در دو ساحت یادشده توضیح می‌دهد و «شفاء» را در مرتبه معرفتی - اخلاقی می‌نشاند؛ او بر عموم «الظالمین» تأکید دارد و حصر تقابلی را سازوکار بلاغی تبیین اثر می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۵ق: ۵/۳۷۳-۳۷۴). رازی در مفاتیح‌الغیب، «مِن» را برای تبعیض کارکردی و «لا... إِلَّا» را برای حصر اثر در ظالمان می‌گیرد و «خسار» را به زیان روحی و محرومیت از نور هدایت تفسیر می‌کند و نسبت آن را با ظلم توضیح می‌دهد (رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۱/۷۷-۷۹). قرطبی در الجامع لأحكام القرآن نیز بر وجه اخلاقی «خسار» و محرومیتِ ظالمان از افاضه هدایت اشاره می‌کند (قرطبی، ۱۳۸۴ق: ۱۰/۳۴۰-۳۴۱) همچنین آلوسی در روح‌المعانی با تأکید بر «مِن» و «لا... إِلَّا»، همان نظام تقابلی و اثر وجودی وحی را شرح می‌کند (آلوسی، بی تا: ۱۱۰/۱۱۳).

در مجموع، دیدگاه علامه طباطبایی و زمخشری نشان می‌دهد که قرآن حقیقتی واحد است که اثر آن بسته به قابلیت مخاطب متفاوت می‌شود؛ برای مؤمنان شفاء و رحمت، و برای ظالمان خسارت و زیان. علامه با این تفسیر، آیه را از سطح مباحث تاریخی فراتر برده و ابعاد تربیتی و معرفتی آنرا روشن می‌سازد و زمخشری آیه را بر مدار تربیت و هدایت انسان‌ها می‌فهمد. بدین ترتیب، قرآن نه موضوعی برای منازعات فرقه‌ای یا تاریخی یا نسخه‌شناختی، بلکه منبعی برای هدایت، تطهیر، پرورش نفس انسانی و سعادت معرفی می‌شود؛ متنی که در ساختار بلاغی خود، تقابل میان ایمان و ظلم را به صورت روشن و کارکردی بیان می‌کند.

۲.۳. تحلیل اجتهادی و انتقادی

۲.۳.۱. انسجام معناشناختی، بینامتنی و بلاغی آیه

انسجام معناشناختی: آیه ۸۲ سوره اسراء با سه واژه کلیدی «شفاء»، «رحمت» و «خسار» انسجام معناشناختی ویژه‌ای دارد؛ شفاء در این آیه تنها به درمان جسمانی اشاره ندارد،

بلکه به رفع بیماری‌های باطنی همچون جهل، شرک و انحراف دلالت می‌کند و رحمت نیز فراتر از عطف ظاهری، به افاضه هدایت، نعمت و آرامش الهی برای مؤمنان معنا می‌شود. در مقابل، خسار به معنای زیان وجودی و سقوط روحی کسانی است که در برابر قرآن مقاومت می‌کنند.

این سه واژه در کنار هم تصویری کامل از اثر قرآن ارائه می‌دهند: برای مؤمنان شفاء و رحمت، و برای ظالمان خسار و زیان. روایات نیز این معنا را تأیید کرده‌اند و قرآن را به عنوان درمان دل‌ها، رحمت برای مؤمنان و زیان آشکار برای معاندان معرفی کرده‌اند و در تفاسیر نیز همین انسجام دیده می‌شود؛ قرآن به عنوان شفاء از جهل و شرک، رحمت برای هدایت و سعادت، و خسار برای کسانی که در ظلم و عناد غوطه‌ورند.

انسجام بینامتنی: این آیه در پیوند با دیگر آیات قرآن و روایات، انسجام بینامتنی خود را آشکار می‌سازد و در آیه ۴۴ سوره فصلت، قرآن به عنوان هدایت و شفاء برای مؤمنان معرفی شده و شرط ایمان برای تحقق اثر آن بیان گردیده است و همچنین در آیه ۲۷ سوره ابراهیم، ضلالت و گمراهی ثمره ظلم دانسته شده و تأکید دیگری بر قانون تکوینی اثر روحی در نسبت با قابلیت و اخلاق مخاطب بیان می‌شود. روایات اسلامی نیز قرآن را «حجت» معرفی کرده‌اند یعنی متنی که یا به سود انسان عمل می‌کند یا علیه او.

این نگاه بینامتنی نشان می‌دهد که قرآن در نظام معنایی خود، همواره دو کارکرد دارد: هدایت و رحمت برای اهل ایمان و زیان و ضلالت برای اهل ظلم. مفسران بزرگ نیز این انسجام را برجسته کرده‌اند و با تحلیل‌های مختلف، بر نقش تربیتی و معرفتی قرآن در این تقابل تأکید نموده‌اند. بدین ترتیب، آیه ۸۲ اسراء نه تنها در خود، بلکه در ارتباط با کل نظام قرآنی و روایی معنا می‌یابد.

انسجام بلاغی: از منظر بلاغی، آیه با بهره‌گیری از ساختارهای نحوی و ادبی، تقابل تربیتی میان دو گروه را تثبیت می‌کند و عبارت «ما هو» حقیقت شفاء و رحمت را تعیین و تثبیت

می‌نماید و نشان می‌دهد که اثر قرآن اصیل و قطعی است. «مِنَ الْقُرْآنِ» تبعیضی تحقیقی دارد؛ یعنی اثر قرآن بسته به قابلیت مخاطب تحقق می‌یابد، نه اینکه تنها بخشی از قرآن شفاء باشد.

ساختار «لا... إلّا» نیز حصرِ اثر برای ظالمان را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که آنان جز زیان نصیبی ندارند. این فن بلاغی مقابله میان شفاء و خسار را برجسته می‌سازد و تقابل هدایتی/زیانی را به صورت روشن سامان می‌دهد. مفسران نیز بر همین نکته تأکید کرده‌اند و آیه را نمونه‌ای از انسجام بلاغی قرآن دانسته‌اند؛ متنی که با ظرافت نحوی و ادبی، حقیقتی تربیتی را بیان می‌کند و مخاطب را به انتخاب میان ایمان و ظلم فرا می‌خواند.

۲،۳،۲. نقد خوانش اسپنسر

گزینش‌گری و اتکای نامتوازن به شواهد غیرمعیار: رابرت اسپنسر در ترجمه انتقادی آیه مورد بحث، اثر دوگانه آیه را «تناقض» یا «بی‌انسجامی» می‌خواند و با استناد به نسخه‌های منفرد (مانند نسخه بانکیپور) نتایج کلی درباره تغییر متن یا دوگانگی ناموجه در اثر قرآن را مطرح می‌نماید.

او می‌گوید در این نسخه، عبارت «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» در آیه ۸۲ سوره اسراء به صورت «وَلَا يَزِيدُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ إِلَّا خَسَارًا» آمده و در آیه ۵۹ بقره نیز «ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ» تغییر یافته است. نسخه بانکیپور که در کتابخانه‌ای در پتنا هند نگهداری می‌شود، به دلیل این اختلافات متنی در مطالعات نسخه‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، از دیدگاه علوم قرآنی چنین تغییراتی در شمار قرائات معتبر و متواتر قرار نمی‌گیرند و حجیت قرآنی ندارند. معیار اعتبار قرائت، تواتر و اتصال به نقل معتبر است و یک نسخه منفرد - هر چند با قدمت تاریخی - نمی‌تواند جایگزین قرائات شناخته شده شود. اسپنسر نیز اذعان دارد که شیعیان این قرائت‌ها را رد کرده و به قرائت رسمی پایبندند. بنابراین نسخه بانکیپور تنها ارزش نسخه‌شناختی دارد و نمی‌تواند مبنای تغییر معنای آیه باشد.

از طرف دیگر در روایات شیعی، برخی آیات در افق محبت و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) به صورت باطنی تفسیر می شوند ولی این تأویل ها به معنای تغییر ظاهر آیه نیست، بلکه افزودن لایه ای معنایی بر ظاهر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۷۰/۱۳-۲۷۵). تأویل معتبر باید با ظاهر قطعی آیه ناسازگار نباشد، به نقل قابل اعتماد متکی باشد و با سیاق هدایتی قرآن هماهنگ باشد (حر عاملی، ۱۴۰۴ق، ۸۹۰/۲).

بر این اساس، اگر روایتی غضب الهی نسبت به ظالمان را در چارچوب ولایت توضیح دهد، با ظاهر آیه ۸۲ اسراء که رحمت و شفاء برای مؤمنان و خسار برای ظالمان را بیان می کند، منافات ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲۳۶/۱۲). ظاهر آیه بر زیان درونی و باطنی ناشی از مقاومت در برابر هدایت دلالت دارد و تاویل روایی تنها مصداقی باطنی را بر آن می افزاید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۷۲/۱۳).

مفهوم خسارت نیز در نسبت طولی میان اراده انسان و اراده الهی معنا پیدا می کند. علت نزدیک خسارت، انتخاب و روی گردانی انسان از هدایت است و علت دورتر، سنت الهی است که پیامد این انتخاب را در نظام تربیتی محقق می سازد (قمی، ۱۴۰۴ق، ۱۲۵/۲). رحمت نیز در همین چارچوب طولی قرار دارد؛ افاضه هدایت و نعمت الهی تنها برای کسی تحقق می یابد که آمادگی پذیرش داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲۳۷/۱۲). بنابراین هم خسار و هم رحمت در شبکه ای علی و طولی رخ می دهند و آزادی انسان نفی اراده الهی نیست، بلکه مجرای تحقق سنت الهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۷۳/۱۳). این سازوکار نشان می دهد که خسار برای ظالمان و رحمت برای مؤمنان دو پیامد هماهنگ یک قانون تربیتی اند.

اگر روایات تأویلی درباره اجرای خشم و غضب به دست مؤمنان پذیرفته شوند، این تأویل ها در طول ظاهر آیه معنا دارند (فیض کاشانی، ۱۴۰۴ق، ۲۹۰/۴). غضب در سطح کنش تاریخی و اجتماعی قرار می گیرد و خسار در سطح پیامد باطنی مقاومت در برابر نور هدایت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۷۴/۱۳). در این جمع بندی، کنش مؤمنان در چارچوب داوری الهی یکی از مجاری تحقق سنت الهی است؛ نتیجه درونی برای مخالفان، خسار است و نتیجه درونی برای مؤمنان،

رحمت و شفاء. این هم‌نشینی نشان می‌دهد که حتی با وجود ادبیات تاویلی غضب، ظاهر آیه ۸۲ اسراء درباره خسارت باطنی و رحمت هدایتی محفوظ می‌ماند و هیچ تعارضی ایجاد نمی‌شود، زیرا این دو سطح طولی اند و نه متزاحم (حر عاملی، ۱۴۰۴ق، ۲/۸۹۰).

به این ترتیب، شبهه‌ای که اسپنسر بر اساس نسخه بانکیپور مطرح کرده، با نقد سندی و وجودی برطرف می‌شود؛ تاویل‌های روایی در افق ولایت اگر معتبر باشند، با ظاهر آیه سازگارند؛ و نسبت طولی اراده انسان و اراده الهی نشان می‌دهد که خسار و رحمت دو روی یک سنت تربیتی‌اند. این بازخوانی ساده و علمی نشان می‌دهد که کارکرد آیه ۸۲ اسراء در چارچوب هدایتی و تربیتی محفوظ است و افزوده‌های نسخه‌ای یا تاویل‌های خاص، منافاتی با معنای اصلی آیه ندارند و این اتکا، بدون وزن‌دهی نسخ در سنت قراءات و بدون سنجش با تفاسیر نظام‌مند کلاسیک، از نظر روش شناختی مخدوش است و سنت معتبر علم قرائات (قراءات سبعة و عشرة) و اصول نقد متون دینی، چنین شواهد محلی و منفردی را برای نتیجه‌گیری‌های عام درباره متن قرآن کافی نمی‌دانند. تفاسیر معیاری همچون مجمع‌البیان و مفاتیح‌الغیب نیز در تحلیل کارکردی آیه، به جای نسخه‌شناسی، بر سیاق و دلالت بلاغی تکیه دارند.

خلط دلالت و کارکرد: در آیه، «خسار» به صورت وجودی- تربیتی تبیین می‌شود و تقلیل آن به سطح تاریخی یا نسخه‌ای، خلط میان لایه‌های دلالت^۱ و کارکرد^۲ متن وحی است. ال‌میزان و الکشاف هر دو این معنا را به صورت صریح تثبیت کرده‌اند و در دستگاه هرمنوتیکی اسلامی، دلالت الفاظ در سیاق وحی با کارکرد تکوینی متن در نفس مخاطب پیوند دارد و این پیوند را نمی‌توان با شواهد برون‌متنی غیرمعیار نقض کرد. ابن‌عاشور نیز در جهت تأیید این موضوع در التحریر و التنویر، اثر قرآن را در نسبت با استعداد مخاطب صورت‌بندی می‌کند و «خسار» را از سنخ زیان معنوی می‌خواند (ابن‌عاشور، ۱۳۸۴ق: ۲۱۴/۱۵-۲۱۶).

1. semantic

2. pragmatic

غفلت از سیاق سوره و نظام تربیتی- هدایتی: سوره اسراء ساختاری تربیتی- اخلاقی دارد که با تأکید بر توحید، مسئولیت و حکمت شریعت، میزان اثرگذاری را در نسبت با ایمان و ظلم تعیین می‌کند. جداسازی آیه ۸۲ از این سیاق و سنجش آن با چارچوب‌های خارج از هرمنوتیک اسلامی به داوری‌های شتاب‌زده منتهی می‌شود. آثار روشمند درباره انسجام سیاقی و بلاغی قرآن نشان می‌دهند که دوگانگی اثر، کارکردی و وجودی است و به تناقض در متن دلالت نمی‌کند.

از طرفی این برداشت، در واقع فاصله‌ای آشکار هم با جریان اصلی مطالعات قرآنی مدرن دارد؛ چرا که پژوهشگران برجسته این حوزه بر انسجام سیاقی و کارکرد دوگانه قرآن تأکید کرده‌اند. برای نمونه، مستنصر میر^۱ در کتاب انسجام در قرآن^۲ نشان می‌دهد که ساختار آیات قرآن بر پایه پیوندهای درونی و انسجام معنایی شکل گرفته است (Mir, 1986: pp. 38-56). همین نگاه را نیل رابینسون^۳ در کتاب کشف قرآن^۴ دنبال می‌کند؛ او بر اهمیت لایه‌های بلاغی و سیاقی متن تأکید دارد و تناقض‌انگاری را ناشی از بی‌توجهی به این پیوندها می‌داند (Robinson, 2003: pp. 72-95). بنابراین، رویکرد اسپنسر نه تنها از سنت تفسیری اسلامی فاصله دارد، بلکه با یافته‌های هرمنوتیک مدرن نیز ناسازگار است.

در حوزه تاریخ تفسیر قرآن نیز نتایج مشابهی دیده می‌شود. اندرو رپین^۵ در کتاب رویکردها به تاریخ تفسیر قرآن^۶ تصریح می‌کند که فهم قرآن بدون توجه به سنت تفسیری و بستر تاریخی آن، به نتایج سطحی و غیرمنسجم منتهی خواهد شد (Rippin, 1988: pp. 14-33). آنجلیکا

1. Mustansir Mir

2. Coherence in the Qur'an

3. Neal Robinson

4. Discovering the Qur'an

5. Andrew Rippin

6. Approaches to the History of the Interpretation of the Qur'an

نویورت^۱ نیز در کتاب مطالعه قرآن در بستر باستان متأخر^۲ نشان می‌دهد که قرآن در زمینه تاریخی و فرهنگی عصر نزول، دارای انسجامی درونی و کارکردی دوگانه است که مخاطبان مختلف را به گونه‌ای متفاوت تحت تأثیر قرار می‌دهد (Neuwirth, 2010: pp. 21-40). این دیدگاه‌ها روشن می‌سازند که تقابل «شفاء» و «خسار» در آیه ۸۲ اسراء نه تناقض، بلکه بازتابی از واکنش‌های متفاوت مخاطبان به پیام الهی است.

افزون بر این، دیگر مستشرقین نیز در رویکردهای انتقادی، قرآن را متنی جدی و منسجم تلقی کرده‌اند. ریچارد بل^۳ در کتاب مقدمه‌ای بر قرآن^۴ با بازچینی تاریخی سوره‌ها در پی یافتن نظم و پیوستگی متن بود (Bell, 1953: pp. 5-27). جان وانزبرو^۵ در کتاب مطالعات قرآنی^۶ هرچند قرآن را محصول جدل‌های فرقه‌ای دانست، اما به انسجام سنت تفسیری و نقش سیاق در شکل‌گیری معنا توجه داشت (Wansbrough, 1977: pp. 101-120). مایکل کوک^۷ در کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی^۸ بر کارکرد اجتماعی و اخلاقی قرآن تمرکز کرد (Cook, 2000: pp. 45-63) و پاتریشیا کرون^۹ در کتاب تجارت مکه و پیدایش اسلام^{۱۰} قرآن را منبعی کلیدی برای بازسازی تاریخ صدر اسلام دانست (Crone, 1987: pp. 88-110). این نمونه‌ها نشان می‌دهند که حتی در میان منتقدان رادیکال، قرآن به عنوان متنی منسجم و قابل تحلیل فهم می‌شود.

1. Angelika Neuwirth

2. Studying the Qur'an in the Context of Late Antiquity

3. Richard Bell

4. Introduction to the Qur'an

5. John Wansbrough

6. Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation

7. Michael Cook

8. Commanding Right and Forbidding Wrong in Islamic Thought

9. Patricia Crone

10. Meccan Trade and the Rise of Islam

در مقایسه با این مطالعات، دیدگاه اسپنسر آشکارا در حاشیه قرار دارد. او با تمرکز صرف بر ظاهر متن و بی توجهی به مبانی کلامی و بلاغی، آیه را فاقد انسجام معرفی می کند؛ در حالی که تفاسیر اسلامی مانند المیزان علامه طباطبایی و الکشاف زمخشری، هماهنگی نظام مند میان «شفاء»، «رحمة» و «خسار» را ترسیم کرده اند. این هماهنگی در مطالعات مدرن نیز مورد تأیید قرار گرفته است، زیرا پژوهشگران برجسته غربی بر انسجام سیاقی و کارکرد دوگانه قرآن تأکید دارند و بدین ترتیب، دیدگاه اسپنسر نه تنها بر اساس سنت تفسیری اسلامی بلکه در پرتو مطالعات مدرن قرآنی نیز قابل دفاع نیست و نشان می دهد که پیش فرض های برون دینی او موجب برداشت های نادرست و غیرعلمی از متن قرآن شده است.

۳. نتیجه گیری

نتایج نشان داد که دوگانگی اثر شفاء و رحمت برای مؤمنان و خسار برای ظالمان نه تناقض، بلکه نتیجه ایمان یا ظلم مخاطب است و این اصل در المیزان و الکشاف و تفاسیر کلاسیک دیگر تثبیت شده است.

انسجام بلاغی آیه و حصر «لا...إلا» و تقابل هدایتی/زیانی با تعیین «ما هو» و تبعیض کارکردی «من» سازوکارهای بلاغی - نحوی اند که انسجام آیه را تقویت می کنند و این انسجام در منابع کلاسیک به طور هم سخن روایت شده است.

تثبیت معنای وجودی «خسار» و زیان وجودی ظالمان از قرآن، به خاطر انسداد قابلیت و استمرار تکذیب است؛ این معنای وجودی، با شواهد بینامتنی فصلت/۴۴ و ابراهیم/۲۷ تقویت می شود و هر گونه اشکال نسخه شناختی را از اعتبار می اندازد.

در نهایت آیه ۸۲ سوره اسراء از منظر معناشناسی، بلاغت و وجودی، یک نظام منسجم و هماهنگ را شکل می دهد که در سه سطح واژگانی، نحوی - بلاغی و تکوینی بصورت کامل بررسی شد. این چارچوب تحلیلی موجب فهم عمیق، جامع و علمی آیه شده و مبنایی مستحکم برای تحلیل های اجتهادی و پژوهش های موضوعی در سنت تفسیری اسلام فراهم می آورد.

در طرف مقابل، روش‌شناسی انتقادی رابرت اسپنسر، به عنوان یکی از شاخص‌ترین و جنجال‌برانگیزترین نمایندگان خوانش‌های انتقادی اسلام و قرآن، با نواقص و اشکالات بنیادینی مواجه است. نخستین نکته این است که اسپنسر به انتخاب‌گزینشی و محدود شواهدی اکتفا می‌کند که غالباً نمونه‌هایی استثنایی یا فاقد اعتبار در سنت قرائتی و تفسیری گسترده مسلمانان اند. برای نمونه، در تحلیل آیه ۸۲ سوره اسراء، اسپنسر بدون توجه به سیاق سوره و ارتباط آیه با مفاهیم هدایت و ضلالت، تنها به یک نسخه خاص (قرآن دست‌نویس بانکپور هند) و نقل‌گزینشی از ابن‌کثیر و جلالین بسنده کرده است. همین بی‌توجهی به بافت و فضای آیات، ضعف روش‌شناختی او را آشکار می‌سازد. چنین روشی موجب می‌شود تحلیل او از قرآن مبتنی بر قرائتی پراکنده، ناهمگون و گاهی متناقض باشد و بدین ترتیب انسجام کلی متن وحی را نادیده بگیرد. دومین اشکال اساسی، غفلت کامل اسپنسر از سیاق آیات و مبانی هرمنوتیکی سنتی است که در آن معنا و کارکرد یک آیه بر اساس بافت متنی، تاریخی و معنایی آن تبیین می‌شود؛ او معمولاً به قواعد مربوط به انسجام معنایی، دلالت و تخصیص کارکرد واژگان و همچنین نظام تفسیری، فلسفی - کلامی و بلاغی توجه نکرده است. سومین نکته نقدی، پیش‌فرض‌های خاص ایدئولوژیکی و جهت‌دار رویکرد اسپنسر است که باعث می‌شود حتی شاهدهای اندک را هم بدون بررسی علمی و تاریخی کامل، به عنوان دلایل تغییر و تحریف در متن قرآن تفسیر کند. این گرایش نه تنها از منابع معتبر و اصیل فاصله دارد بلکه فاقد قدرت لازم برای جایگزینی تحلیل‌های اجتهادی و جامع است. بنابراین، تحلیل‌های علمی و نظام‌مند تنها در سایه بازخوانی دقیق متون تفسیری و رعایت اصول هرمنوتیکی می‌تواند به درک واقعی و دقیق از آیات قرآن و کارکردهای چندسطحی آن منجر شود. این مدل سه‌سطحی معناشناختی، نحوی - بلاغی و وجودی - تکوینی، راهگشای نقد مستدل و فهم عمیق قرآن است و در مقابل خوانش‌های سطحی و جهت‌دار به عنوان چارچوبی علمی و معتبر عمل می‌کند.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم. (۱۳۸۳ش). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی. قم: دارالکتب الإسلامية.
۱. آلوسی، محمود، (بی‌تا)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالفکر.
 ۲. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۳۸۴ق)، التحریر والتنویر، تونس، الدار التونسية للنشر.
 ۳. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۳۹۴ق)، مقایس اللغة، بیروت، دارالفکر.
 ۴. ابن ماجه، محمد بن یزید، (۲۷۳ق)، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
 ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۵ق)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
 ۶. احمد بن حنبل، احمد، (۱۴۱۵ق)، المسند، بیروت، دار صادر.
 ۷. بیضاوی، ناصرالدین، (بی‌تا)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
 ۸. ترمذی، محمد بن عیسی، (۲۷۹ق)، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر.
 ۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۴ق)، الصحاح فی اللغة، بیروت، دارالعلم للملایین.
 ۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت.
 ۱۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۱۱۲ق)، نورالثقلین، قم، مؤسسة اسماعیلیان.
 ۱۲. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 ۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم.
 ۱۴. زبیدی، مرتضی، (۱۳۷۶ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، کویت، وزارة الإعلام.
 ۱۵. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیة.
 ۱۶. سوری، نرگس، (۱۴۰۲ش)، تحلیل انتقادی کتاب آیا محمد وجود داشت؟ اثر رابرت اسپنسر

(با تمرکز بر مباحث قرآنی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: کرم سیاوشی، همدان، دانشگاه بو علی سینا.

۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، (۹۱۱ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۷ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر.
۱۹. شریف‌رضی، محمد بن حسین، (۴۰۰ق)، نهج البلاغه، قم، دارالهجرة.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، (۳۸۱ق)، عیون اخبار الرضا، قم، منشورات جماعة المدرسين.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، (ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طبرسی، امین‌الاسلام، (۱۳۷۵ق)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۰۴ق)، جامع‌البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالفکر.
۲۴. طریحی، فخرالدین، (۱۴۰۴ق)، مجمع‌البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه.
۲۵. فیروزآبادی، مجدالدین، (۱۴۱۴ق)، القاموس المحيط، بیروت، دارالفکر.
۲۶. فیض‌کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۴۰۴ق)، تفسیر الصیافی، تهران، صدرا.
۲۷. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۸۴ق)، الجامع لأحكام القرآن، قاهره، دارالکتب المصریة.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، (تصحیح علی‌اکبر غفاری)، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۳۱. مسلم بن حجاج، مسلم، (۱۴۱۱ق)، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. مقدمی، رقیه، (۱۳۹۸ش)، نقد و بررسی اسلام‌هراسی از دیدگاه سم‌هریس و رابرت اسپنسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حجت‌الله جوانی و الیور شاربوت، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

1. Al Firas, Mohammed. (2022). Book Review: Robert Spencer, The Critical Qur'an: Explained from Key Islamic Commentaries and Contemporary Historical Research (Academia.edu)
2. Bell, R. (1953). Introduction to the Qur'an. Edinburgh: Edinburgh University Press.
3. Cook, M. (2000). Commanding Right and Forbidding Wrong in Islamic Thought. Cambridge: Cambridge University Press.
4. Crone, P. (1987). Meccan Trade and the Rise of Islam. Princeton: Princeton University Press.
5. Mir, M. (1986). Coherence in the Qur'an. Indianapolis: American Trust Publications.
6. Neuwirth, A. (2010). Studying the Qur'an in the Context of Late Antiquity. In: A. Neuwirth, N. Sinai, & M. Marx (Eds.), The Qur'an in Context: Historical and Literary Investigations into the Qur'anic Milieu (pp. 1-45). Leiden: Brill.
7. Rippin, A. (1988). Approaches to the History of the Interpretation of the Qur'an. Oxford: Clarendon Press.
8. Robinson, N. (2003). Discovering the Qur'an: A Contemporary Approach to a Veiled Text. London: SCM Press.
9. Spencer, R. (2022). The Critical Qur'an: Explained from Key Islamic Commentaries and Contemporary Historical Research. New York: Bombardier Books.
10. Wansbrough, J. (1977). Quranic Studies: Sources and Methods of Scriptural Interpretation. Oxford: Oxford University Press.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی